شماره ۲۷۶ | دوشنبه ۲۷/۱۲/۱۳۹۳ | ص/۱۴۳۵ | شماره متوسط پنجشم
17 May 2014 , Vol 4, No 146

بسم الله الرحمن الرحیم

◆ ۹دی: با تشکر از وقتی که در اختیار هفته نامه ۹دی قرار دادید؛ بهانه این نشست و گفتگو هم معرفی آثار و تحقیقا کاربردی و بنیادی موسسه تحقیقاتی صابره و جنابعالی است و هم طرح این دغدغه که آیا میتوان با مبانی دینی به سراغ تولید علم نظریه رفت؟ حتما مطلعید که این روزها برخی دولت مردان حتی به انکار مبانی دینی علم پرداخته اند. به عنوان اولین سوال بفرمایید چه چیزی باعث شد تا شما تحقیقاتتان را متمرکز بر بحث نظام شناسی و نظام سازی اسلامی قرار دهید؟

در سیر کارهای تحقیقاتی که مجموعه ما داشت به یک نتایج خاصی رسیدیم که خودش راهبردها ودستاوردهای زیبایی بود. در یک مورد، به این نتیجه رسیدیم که ما هرچه کم داریم، در حوزه های فرهنگ، اندیشه، علوم وتمام حوزه های نرم افزاری اقتصاد، سیاست، هنر، سرمایه داری وخانواده و امثال آن، بخاطر تسلط نظام مند جهان سکولار بر عرصه های مربوط در جامعه ماست. یعنی آنها به صورت نظام مندی، چون جامعه ی خودشان در این عرصه های انسانی دیگر نظام گرفتند و متفکرشان کار کردند و بعد بقیه هم بر همان اساس جلو رفتند، دیگر از رسائس به بعد تا کنون، در نظام خودشان جا افتادند و همان نظامات را در کشور های اسلامی به کار گرفتند و نتیجه مورد نظرشان را هم به دست آوردند.

از طرفی، بیداری اسلامی هم هنوز به آن حد از پختگی نرسیده که حرکت های خودش را در عرصه های مختلف نظام مند کند، برای همین است که بیداری های نوپا ضربه های کاری خودش و البته همانطور که حضرت آقا فرمودند این طور نیست که به کلی ملائمی شده باشد؛ چون بیداری غیر از تشکیلات مربوط به بیداری است؛ تشکیلات مربوط به بیداری ملائمی می شود، چون نظام مند نیست؛ ولی نفس بیداری به نا تشکیلات می آید و نه با ضربه خوردن به تشکیلات ملائمی می شود. نفس بیداری یک نیرو افزار درون زاست که در حال رشد است. اما در جمهوری اسلامی چون حضرت امام(ره) قرار سعی کردند نظام مند کنند، جمهوری اسلامی توانست در مقابل نظامات آنها تا اندازه ای مقاومت کند؛ و لذا تشکیلات جمهوری اسلامی از هم نپاشید. مثل نظام ولایت فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان وشورای نگهبان. اما همانطور که حضرت آقا اخیراً فرمودند اگر زیر نظام های نظام طراحی و اجرا نشود، اصل نظام در خطر است. چون تشکیلات نرم افزاری یک جامعه فقط با نظام مندی استوار می ماند. هر چقدر زیر نظام محکم تر باشد آن تشکیلات نرم افزاری محکم تر می شود.

◆ ۹دی: زیر نظام یعنی فوادانسیون و زیرساخت یک رشته نظام؟

نه؛ منظور از زیر نظام، همان «خرده نظام» هاست که اتفاقاً مجموعاً چون از جنس نرم افزاری است در مواقع خاص، ماموریت فنادسیون را هم ایفا می کند. اما منظور ما همان خرده نظام است.

◆ ۹دی: بلها؛ می فرمودید!

این خرده نظام ها، نظام کلی را پر قدرت و بر توان می کند و همین جاست که روح کلی نظام ها، حتی مثل فنادسیون و مثل زیر ساخت، ماموریت مقاوم سازی کل نظام را هم به عهده می گیرد. این خرده نظام ها و نظام کلی، اساس گسترش تمدن سخت افزاری را هم تشکیل می دهد یعنی تمدن و سخت افزارها بر اساس این خرده نظام ها شکل می گیرد و اگر این خرده نظام ها نباشد، تمدن به شدت دچار آسیب می شود. مخصوصاً وقتی که نظامات دشمن مسلط بشود.

آن وقت در اینجا یک نظام کلی دچار تعارض می شود؛ از یک طرف می خواهد بر اساس اندیشه ی توحیدی حرکت کند اما خرده نظام های لازم را در اختیار ندارد؛ نه تشکیلات انسانی را می تواند سامان دهد؛ و نه تمدن را می تواند مدیریت کند؛ و مجبور است اندیشه ها و خرده نظامات تمدن ساز را به به اجبار از جهان سکولار قرض بگیرد.

◆ ۹دی: اینکه فرمودید «به اجبار قرض می گیرد»، یعنی چه؟

یعنی این یک سیر طبیعی و ذاتی است. چون خود جامعه نمی تواند تمدن خودش را متوقف کند تا زیر نظام فراهم بشود. وقتی که جامعه می خواهد وارد عرصه ی بانک داری و تجارت و هنر و غیره بشود، یا باید خودش نظام داشته باشد یا اینکه محتاج نظامات سکولار بشود. که آن وقت باید قرض بگیرد. وقتی که قرض گرفت، تمدن از نوع غربی شکل می گیرد. در حالی که نظام کلی، نظامی از نوع توحیدی را دنبال می کند.

این تعارض، بعد از مدتی اگر نهادینه شود، از ریشه به سطح می آید و جامعه را دچار تفرقه می کند. عده ای را عمیقاً طرفدار جهان سکولار می کند؛ حال، یا به دلیل درک نیازها یا به دلیل انحراف در اندیشه؛ و عده ای را هم در برابر آنها به تقابل وامی دارد.

الان ما در جمهوری اسلامی در این ایستگاه قرار داریم و خطر خیلی عجیبی هم آن را تهدید می کند. برای اینکه زیر نظام هایش را نساخته و هماهنوز که عرض کردیم، باطن این زیر نظام ها این است که تمدن را بسازد؛ وقتی جامعه ی انسانی این است که تمدن را نمی تواند بدون دست نیاز برون به سمت آن زیر نظام های موجود، که از جهان سکولار آمده؛ ادامه ی حیات بدهد. اگر زیر نظام های اصیل اسلامی و توحیدی وجود داشته باشد، این تقابل را می تواند مشاهده کند. هر جایی که زیر نظام خاص خودش از جانب مسلمین و براساس اندیشه های قرآنی و توحیدی طراحی شده باشد، نمی توانیم منتظر بمانیم.

بنابراین گاهی مواقع، شروع شکل گیری این تفکر بر اثر نیاز است اما به تدریج این اندیشه ها سکولار در اساس اندیشه آنها نشت پیدا می کند و بعد هم جامعه دو قسمتی می شود یعنی خود خادمان انقلاب اسلامی، بعضی از آنها به افراد در صف تقابل با اندیشه های جمهوری اسلامی تبدیل می شوند و یا رسماً به صورت غیرزنده ها ظاهر می شوند و یا ادعای طرفداری از جمهوری اسلامی می کنند. ولی عمل آنها، چه در ظاهر و چه بصورت پنهان، متضاد با جمهوری اسلامی می شود.

دیگر، تقابل نیروهای اجتماعی در سطح طرفداری نظام توحیدی و نظام سکولار که عرض کردیم. طرفداران، بعضی به صورت اساسی اعتقاد به جهان سکولار دارند و بعضی به دلیل نیاز، یعنی می گویند این زیرنظام ها ما را وادار می کند که با آنها تعامل کنیم و دست دوستی به سویشان دراز کنیم و با آنها رابطه ی گرگ و میش برقرار کنیم؛ چرا که ما ناچاریم؛ و همانطور که عرض کردم موضوع در اختیار مسئولین هم نیست. ذاتی جامعه این اقتضاء را دارد؛ یعنی چه بخواهیم چه نخواهیم، در هم عرصه ای اگر زیر نظام های مربوط از جانب اندیشه ی اسلامی ارائه نشده باشد، آن عرصه مجذوب جهان سکولار خواهد شد.

مثل ماهواره؛ ماهواره چیزی نیست که مسئولین از اول به آن اظهار ارادت کرده باشند؛ ولی وقتی که ما زیر نظام مخصوص خودش را نداشتیم، جامعه دو قسمتی شد؛ و قبل از این که مسئولین تصمیم بگیرند، جامعه مبتلا شد و این اتفاق افتاد. اکنون مسئولین هستند که دنباله رو هستند و به سمت این دوگانگی کشیده می شوند.

و یا مثل فیسبوک، اینترنت، تجارت خارجی، بانکداری، سطوح بالای علوم جدید، صنعت، سرمایه داری و... شما در هرکجایی که در حیات انسانی شود؛ بنابراین ما در تحقیقاتمان به این نتیجه رسیدیم که باید سریعاً بر روی نظام سازی و نظام شناسی کار کنیم. یعنی از یک طرف باید شدت و قدرت ابتنا این نظامات سکولار را که صورت نظام مند پیدا کرده و در جمهوری اسلامی وارد و مسلط شده را بشناسیم؛ و بعد، چگونگی ورود و تسلطشان را شناسایی کنیم و پس از آن، نظام متقابل با آن نظامات را از اسلام استخراج کنیم؛ یا اگر هست شناسایی کنیم؛ اگر فراموش شده به یاد بیاریم؛ اگر تضعیف شده تقویت کنیم؛ اگر نیست از معدن قرآن و اهل بیت(ع) کشف کنیم و بسازیم. وتا وقتی که این اتفاق نیفتد، کشور ما نه تنها در حال دست و پنجه نرم کردن با این زیر نظام ها خواهد بود، بلکه جمهوری اسلامی و اساس نظام کلی اسلام در جمهوری اسلامی در خطر است.

◆ ۹دی: این بحث نظام سازی که فرمودید، چه نسبتی با پنج مرحله ای دارد که آقا فرمودند: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی،تمدن اسلامی؟ در واقع، ایا شما به آن خرده نظام هایی اشاره می کنید که «دولت اسلامی» را می سازد؟ ایا این بنا نظام سازی به معنای تدوین قانون اساسی که ما آن را حس کردیم، تفاوت دارد؟ ما از کی باید وارد این مرحله می شدیم که به این تعارض ها نمی خوردیم؟

نظام قانون اساسی نظام کلی است که حضرت امام(ره) طراحی فرمودند که از همان لحظه ما باید زیر نظامش را شروع می کردیم.

مثلا ما نظام بانکی خودمان را پس از پیروزی انقلاب، سامان ندادیم؛ در حالی که همه مقدمات آن در اسلام فراهم بود؛ ولی زیر نظام را پس از انقلاب به سرعت سامان ندادیم.تبدیل نکردیم و به اجرا نگذاشتیم. خب! جامعه پولش را کجا باید بگذارد؟ چگونه باید سرمایه های یک جامعه هدایت بشود؟ مسئولین چه بخواهند و چه نخواهند، جامعه مجذوب بانکداری غربی شد.

> **نظام قانون اساسی نظام کلی است که حضرت امام(ره) طراحی فرمودند که از همان لحظه ما باید زیر نظامش را شروع می کردیم. مثلا ما نظام بانکی خودمان را پس از پیروزی انقلاب، سامان ندادیم؛ در حالی که همه مقدمات آن در اسلام فراهم بود؛ ولی زیر نظام را پس از انقلاب به سرعت سامان ندادیم.تبدیل نکردیم و به اجرا نگذاشتیم. خب! جامعه پولش را کجا باید بگذارد؟ چگونه باید سرمایه های یک جامعه هدایت بشود؟ مسئولین چه بخواهند و چه نخواهند، جامعه مجذوب بانکداری غربی شد**

عرصه ای وجود داشته باشد، این تقابل را می تواند مشاهده کند. هر جایی که زیر نظام خاص خودش از جانب مسلمین و براساس اندیشه های قرآنی و توحیدی طراحی شده باشد، نمی توانیم منتظر بمانیم.

بنابراین گاهی مواقع، شروع شکل گیری این تفکر بر اثر نیاز است اما به تدریج این اندیشه ها سکولار در اساس اندیشه آنها نشت پیدا می کند و بعد هم جامعه دو قسمتی می شود یعنی خود خادمان انقلاب اسلامی، بعضی از آنها به افراد در صف تقابل با اندیشه های جمهوری اسلامی تبدیل می شوند و یا رسماً به صورت غیرزنده ها ظاهر می شوند و یا ادعای طرفداری از جمهوری اسلامی می کنند. ولی عمل آنها، چه در ظاهر و چه بصورت پنهان، متضاد با جمهوری اسلامی می شود.

بنابراین ما در تحقیقاتمان به این نتیجه رسیدیم که باید سریعاً بر روی نظام سازی و نظام شناسی کار کنیم. یعنی از یک طرف باید شدت و قدرت ابتنا این نظامات سکولار را که صورت نظام مند پیدا کرده و در جمهوری اسلامی وارد و مسلط شده را بشناسیم؛ و بعد، چگونگی ورود و تسلطشان را شناسایی کنیم و پس از آن، نظام متقابل با آن نظامات را از اسلام استخراج کنیم؛ یا اگر هست شناسایی کنیم؛ اگر فراموش شده به یاد بیاریم؛ اگر تضعیف شده تقویت کنیم؛ اگر نیست از معدن قرآن و اهل بیت(ع) کشف کنیم و بسازیم. وتا وقتی که این اتفاق نیفتد، کشور ما نه تنها در حال دست و پنجه نرم کردن با این زیر نظام ها خواهد بود، بلکه جمهوری اسلامی و اساس نظام کلی اسلام در جمهوری اسلامی در خطر است.

◆ ۹دی: «مدیریت» و «تعلیم و تربیت» درهم تنیده است و اصلا از هم جدا نیست. یعنی تعلیم و تربیت بدون مدیریت محال است و مدیریت بدون تعلیم و تربیت محال است. درحالیکه حتی در حوزه های علمیه ما اساتیدی هستند که درس «مدیریت» می دهند جدای از «تعلیم و تربیت»؛ یا عده ای درس خارج «تعلیم و تربیت» و «مدیریت» می دهند جدای از «مدیریت»

> **«مدیریت» و «تعلیم و تربیت» درهم تنیده است و اصلا از هم جدا نیست. یعنی تعلیم و تربیت بدون مدیریت محال است و مدیریت بدون تعلیم و تربیت محال است. درحالیکه حتی در حوزه های علمیه ما اساتیدی هستند که درس «مدیریت» می دهند جدای از «تعلیم و تربیت»؛ یا عده ای درس خارج «تعلیم و تربیت» و «مدیریت» می دهند جدای از «مدیریت»**

است. چون نظام علمی آنها مسلّط شده، فقط درس فیزیک و شیمی نیست که منحرف شده، بلکه اوّلاً تمامی محصولات علمی ما در سمت و سوی بی قدرت کردن مدرنیته و سرآزیر کردن منافع و سود این نظام به سمت کشورهای غربی شکل گرفته؛ یعنی ما مهندس و دکتری که تربیت می کنیم و اساتید مدیریت ما و برنامه ها، در دل برنامه ی مدرنیته است؛ یعنی همان چیزی که کارتل ها شکل گرفته، در تحقیقاتمان به این نتیجه رسیدیم که ما ناچاریم؛ و همانطور که عرض کردم، موضوع طرفداران، بعضی به صورت اساسی اعتقاد به جهان سکولار دارند و بعضی به دلیل نیاز. یعنی می گویند این زیرنظام ها ما را وادار می کند که با آنها تعامل کنیم و دست دوستی به سویشان دراز کنیم و با آنها رابطه ی گرگ و میش برقرار کنیم؛ چرا که ما ناچاریم؛ و همانطور که عرض کردم موضوع در اختیار مسئولین هم نیست. ذاتی جامعه این اقتضاء را دارد؛ یعنی چه بخواهیم چه نخواهیم، در هم عرصه ای اگر زیر نظام های مربوط از جانب اندیشه ی اسلامی ارائه نشده باشد، آن عرصه مجذوب جهان سکولار خواهد شد.

مثل ماهواره؛ ماهواره چیزی نیست که مسئولین از اول به آن اظهار ارادت کرده باشند؛ ولی وقتی که ما زیر نظام مخصوص خودش را نداشتیم، جامعه دو قسمتی شد؛ و قبل از این که مسئولین تصمیم بگیرند، جامعه مبتلا شد و این اتفاق افتاد. اکنون مسئولین هستند که دنباله رو هستند و به سمت این دوگانگی کشیده می شوند.

و یا مثل فیسبوک، اینترنت، تجارت خارجی، بانکداری، سطوح بالای علوم جدید، صنعت، سرمایه داری و... شما در هرکجایی که در حیات انسانی شود؛ مسئولین چه بخواهند و چه نخواهند، جامعه مجذوب بانکداری غربی شد؛ و این جذب به خاطر تصمیم مسئولین نبود، بلکه بخاطر خلع نظام از نظام اقتصادی اسلام بود.

درحالیکه ما متوجه شدیم بانکداری غربی فقط بر قبال کردن و جهت دادن به سرمایه های مالی مردم تلاش نمیکند، بلکه ماموریت های عظیمی در جهت شکستن کل نظام جمهوری اسلامی دارد. تمام این تحریم های جهان کفر علیه جمهوری اسلامی فقط با بازوی بانکداری در حال شکل گیری است. چون بانک داری ما اسلامی نیست و وابسته به بانک های غربی است، آنها تنها کاری که با ما کردند، این بود که در تحریم ها دستور دادند بانک ها عمل نکنند و هم تمام سرمایه های ما به این وسیله بلوکه شد و هم چیزی که در نزد خودمان هست، قابل تعامل و معامله نیست. و تمام این کارها را با نظام بانکی کردند؛ درحالیکه آن چیزی که ما الان داریم و بسیار ارزشمند تر از آن سرمایه ی بلوکه شده ی نزد غرب است، نظام بانکی اسلامی است که هیچ وقت نیامدیم آن را تبدیل به اجرا کنیم؛ یعنی آنها به نوعی ما را فریب دادند گفتند اگر هسته ای را تعطیل کنید؛ و چنین و چنان می کنیم؛ در حالی که آنها اینه نظام بانکی ما حمله کردند و در این حمله هم کاملاً پیروز شدند؛ یعنی نظام بانکی شان بر نظام ما مسلط شد و ضربه ای که باید مثل بمب آتم به ما بزنند، زدند.

این در اثر تسلط زیر نظام است. این زیر نظام، کل نظام جمهوری اسلامی را دچار تنش کرده است. همین وضعیت در نظام سلامت علمی آنها اتفاق افتاد، نه اسلام. و این سمت وسو گرفتن این دکتر و مهندس ها، تماماً سودش برای کارتل هاست. مهندس های مختلف علوم چه می کنند؟ همه به آن سمت حرکت می کنند.

این نیرو ها که با این شکل از نظام علمی غرب یاد می شوند، حتی در داخل، با اندیشه ی غربی تربیت می شوند و بطور خود جوش، شخصیت های غرب زده ی مسئولین ما را تشکیل می دهند؛ یعنی روز به روز ما به هر مقدار که فارغ التحصیل دانشه باشیم، به همان مقدار، نیروهای معتقد به صنعت غرب بیشتر تولید کرده اینها و اینها چون نخبگان ما هستند، مسئولیت های کشور ما را به عهده می گیرند و مسیر تمدنی کشور را به سمت جهان سکولار هدایت می کنند. اینجا است که بین اساس جمهوری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که در قانون اساسی آمده با تمدن ساخته آنها، نه اسلام. و این سمت وسو گرفتن این دکتر و مهندس ها، تماماً سودش برای کارتل هاست. این نیرو ها که با این شکل از نظام علمی غرب یاد می شوند، حتی در داخل، با اندیشه ی غربی تربیت می شوند و بطور خود جوش، شخصیت های غرب زده ی مسئولین ما را تشکیل می دهند؛ یعنی روز به روز ما به هر مقدار که فارغ التحصیل دانشه باشیم، به همان مقدار، نیروهای معتقد به صنعت غرب بیشتر تولید کرده اینها و اینها چون نخبگان ما هستند، مسئولیت های کشور ما را به عهده می گیرند و مسیر تمدنی کشور را به سمت جهان سکولار هدایت می کنند. اینجا است که بین اساس جمهوری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که در قانون اساسی آمده با تمدن

آسیب شناسی نظام سازی دینی و روش های تولید علم دینی در گفتگوی ۹ دی با دکتر مرتضی زاهدی:

دست پرورده غرب، علم دینی را نمی فهمد

زیاد نیستند متفکران و صاحب نظرانی که سالهای طولانی و بدون چشمداشت به ادعاهای حمایتی مسئولین دولتی و غیر دولتی، در گمنامی، بی سروصدا و با اخلاص مثال زدنی به تولید نظریه و کار فکری – فرهنگی مستمر مشغولند و توقع حمایت مالی از هیچ ارگان و نهادی هم ندارند و اتفاقاً منبع مالی کارشان، مستقیما از خزانه بی انتهای خداوند متعال تامین می شود: «و من یتق الله یجعل له مخرجا، و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه.»(طلاق/۲-۳)

شاید مهمترین نقش در هدایت فکری جامعه از آن این افراد و مؤسسات باشد: «فاستَمسِکوا بِنُور یَقظَة فی الأبصار و الأسماع و الأفئدة یَذکرون بِأیام الله و یَخوفون مَقامَ بِمَنزِلَة الأدلة فی الفَلَوات؛ آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوش‌ها و دیده‌ها و دل‌ها بر من‌افروختند، روزهای خدایی را به یاد می‌آورند و مردم را از جلال و بزرگی خدا می‌ترسانند. آنان نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌هایند.»(خ ۲۲۲)

مؤمنین مخلصی که با وجود تأثیر فوق العاده در جریان سازی های فکری کشور، هیچگاه در معادلات سیاسی و فرهنگی کشور توسط سیاست پیشگان و تحلیلگران سیاسی- اجتماعی دیده نمی شوند و البته هرکدام راه خود را می روند.

بی شک دکتر مرتضی زاهدی و مؤسسه تحت نظارت ایشان را باید یکی از بهترین مصادیق اینگونه افراد دانست. اینکه یک متفکر انقلابی، هم در سطوح بالای تحصیلات حوزوی و آکادمیک در حوزه تعلیم و تربیت باشد و هم مؤسس نهاد امور تربیتی با نظارت شهیدان رجایی و باهنر بوده باشد و هم در سالهای متمادی پس از دوران مسئولیت های اجرایی به کار تحقیقاتی در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته باشد، کافی است تا جامعه نخبگانی را علاقه مند به آشنایی با تفکرات وآثار ایشان کند و نه دی نیز وظیفه خود دانست که زمینه این ارتباط را فراهم کند.

هرچند بسیاری از آثار ایشان هنوز به مرحله چاپ نرسیده است، اما دوره های آموزشی ایشان، همچون دوره «نظام شناسی و نظام سازی قرآنی» و دوره «مدیریت و تربیت اسلامی در تعلیم و تربیت قرآنی» در مؤسسه صابره و با تدریس ایشان در حال برگزاری است.

از جمله تحقیقات و نظریات ایشان عبارتند از: «مدیریت و تعلیم و تربیت اسلامی»، «نظام‌شناسی و نظام‌سازی بر اساس راهبردهای قرآنی و روایی»، «مهندسی فرهنگی از دیدگاه اسلام یا تعلیم و تربیت قرآنی»، «نقش زن در حیات انسانی از دیدگاه قرآن و روایات»، «اندیشه‌های عاشورایی از دیدگاه قرآن و روایات»، «جنگ فرهنگی و مبارزه با ناتوی فرهنگی از دیدگاه قرآن و روایات»، «جهانی شدن از دیدگاه قرآن و روایات»، «فلسفه ابتلائات از دیدگاه قرآن و روایات».

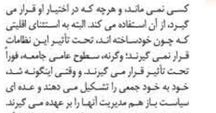

کتاب نظریه تربیتی اسلام تالیف «دکتر مرتضی زاهدی» انتشارات مؤسسه صابره

موضوع اصلی در این کتاب، بحث درباره فلسفه مبانی تعلیم و تربیت و تقابل آن در دو دیدگاه اسلام و غرب می باشد که در ۱۵ فصل تبیین شده است. برخی فصول این کتاب عبارتند از: نقش مبانی در طراحی نظام تعلیم و تربیت، نقش مبانی تربیت اسلامی در کنترل و هدایت بحران‌های نوجوانی و جوانی، ضرورت بازنگری در نگارش مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، گستره مفهوم تربیت و مصادیق آن در برنامه‌ریزی های تربیتی، واژه علم در لسان قرآن و احادیث، انسان در مبانی تعلیم و تربیت اسلام، هدایت انسان، نقش اخلاق اسلامی در روانشناسی تربیتی، هدایت باطنی، فطرت الله یا وجدانیات، حقیقت عقل ارزشی در نظریه تربیتی اسلام، قلب روحانی، شوق و رغبت تعریف، بلوغ در انسان، شاخص های رشد استعدادهای خاص انسانی، تبیین تفاوتهای کلی در عرصه تعلیم و تربیت بین دیدگاههای اسلام و غرب.

«مدیریت» و «تعلیم و تربیت» درهم تنیده است و اصلا از هم جدا نیست. یعنی تعلیم و تربیت بدون مدیریت محال است و مدیریت بدون تعلیم و تربیت محال است. درحالیکه حتی در حوزه های علمیه ما اساتیدی هستند که درس «مدیریت» می دهند جدای از «تعلیم و تربیت»؛ یا عده ای درس خارج «تعلیم و تربیت» و «مدیریت» می دهند جدای از «مدیریت»

حیات بشری، توقف پذیر نیست و دائما در حال حرکت است و ناچارا به یک سمت باید حرکت کند. بنابراین در هر عرصه ای از عرصه های حیات بشری، اگر زیر نظامهای مربوط از جانب اندیشه اسلامی ارائه نشده باشد، آن عرصه مجذوب جهان سکولار خواهد شد. البته به استثنای اقلیتی که چون خودساخته اند، تحت تأثیر این نظامات قرار نمی گیرند؛ وگرنه، سطوح عامی جامعه، فوراً تحت تأثیر قرار می گیرند. وقتی اینگونه شد، خود به خود جمعی را تشکیل می دهند و عده ای سیاست باز هم مدیریت آنها را بر عهده می گیرند

یک امر جهانی است.

بله. این جور حرف ها از گلوی آن زبرنظام‌های غربی مسلط بر جامعه ما خارج می شود. این فکر و جمله صرفاً مربوط به یک فرد نیست. وقتی نظامی از جانب غرب بر جمهوری اسلامی مسلط شد، تربیت یافتگان آن نظام نیز اینگونه حرف می زنند. ما در مسأله فرهنگ همین مشکل را داریم. چون برای فرهنگ اسلامی، نظام مورد قبول اسلام را طراحی و تدوین نکردیم؛ و به همین دلیل، جامعه و عرصه های انسانی، مجذوب نظامات غربی خواهد شد؛ چه مسئولین تصمیم بگیرند و چه تصمیم نگیرند. و اکنون هم اینگونه است. و تسلط نظامات غربی در عرصه فرهنگ و میزان نفوذشان را در کل جامعه مشاهده می کنیم. بی حجابی ها و بدحجابی ها، محصول چنین نظامی است. البته مسئولین در روان کردن تسلط این نظامات غربی و یا در کند کردن آن، تا اندازه ای تأثیر دارند، ولی بسیار موردی و موقتی است. بلکه اساس تسلط نظامات غربی مثلا در عرصه فرهنگ به دلیل عدم وجود نظام برخاسته از متن قرآن و روایات اهل بیت(ع) است. و لذا بخشی از جامعه درحال جذب به سمت این نظامات غربی است؛ چه مسئولین بخواهند و چه نخواهند و اتفاقاً اکثریت مسئولین مایل نیستند این اتفاق بیفتد، ولی وقتی این اتفاق در متن جامعه رخ داد، عده ای از مسئولین هستند که یا به دلیل هواهای نفسانی و دنیاطلبی، برچم طرفداری از غرب را به عهده می گیرند، و یا به دلیل شیفتگی ظاهری و سطحی، بندگوی فرهنگ غربی می شوند. ولی به هرحال، همین سیاست بازان، از ابتدا این کار را نمی کنند. خیلی کم هستند افرادی که از میان روشنفکران غربی یا غردزدگان در ابتدای امر چنین جرأت و جسارت و چنین انحراف شدیدی در اعتقادشان وجود داشته باشد. البته نمی شود انکار کرد ولی خیلی کم هستند حال، چه وقت زیاد می شوند؟ وقتی که متن جامعه مجذوب نظامات غربی شوند. چون نظام مورد نظر اسلام در این زمینه وجود ندارد و عرصه های جامعه هم منتظر کسی نمی مانند، مجذوب نظامات موجود می شوند. خب! نظام موجود آماده، مثلاً سینمای آماده، تئاتر آماده، نمایشنامه های آماده، کارگردان های آماده، موسیقی های آماده، خانه سینمای آماده، خانه مطبوعات آماده، همه چیز فراهم است برای کسی که بخواهد جزء انحراف بشود. و چون انسان در حال «شدن» است، «شدن» انسان دیگر منتظر کسی نمی ماند؛ و هرچه که در اختیار او قرار می گیرد از آن استفاده می کند. البته به استثنای اقلیتی که چون خودساخته اند، تحت تأثیر این نظامات قرار نمی گیرند؛ وگرنه، سطوح عامی جامعه، فوراً تحت تأثیر قرار می گیرند. وقتی اینگونه شد، خود به خود جمعی را تشکیل می دهند و عده ای سیاست باز هم مدیریت آنها را بر عهده می گیرند. و به تدریج کشور دچار دوگانگی می شود. که الآن شده است. و این دوگانگی چه در سیاست و فرهنگ، چه در هنر و زیرشاخه های عظیم آن، چه در رسانه، چه در تبلیغات دیده می شود.

مجموعه ما یکایک این نظامات را بررسی کرده است. نظام بانکی را کار کرده، نظام سرمایه ای را کار کرده، نظام جامعه شناسی را کار کرده، نظام فرهنگی را کار کرده، نظام علمی را کار کرده و الآن دست اندرکار نظام خانواده است.

◆ ۹دی: آقای دکتر! ایا این تحقیقاتی که عرض کردید، خروجی ملموس، محسوس و عملیاتی و قابل اجرا داشته است که قابل عرضه در مجامع علمی و حتی دستگاههای اجرایی باشد؟

پاسخ سؤال شما خیلی وسیع است. و ما به بیش از آنچه که شاید شما در خاطرتان باشد، رسیدیم. ما در نتیجه تحقیقات و بررسی هایمان به دو کار مداوم و وسیع رسیدیم؛ اول، «نظام شناسی» و دوم «نظام سازی»؛ در زمینه نظام شناسی کتاب اولش را نوشتیم، ولی به چاپ عموم نرساندیم و اتجمنی را هم تشکیل دادیم به نام انجمن نظام شناسان قرآنی که از سراسر جهان هم عضو می گیرد. و می خواهیم برجچم بیداری اسلامی را به این وسیله –به عنایت حضرت صاحب الأمر(صلوات الله علیه)– در اهتزاز نگه داریم.

در جهان اسلام – از جمله در جمهوری اسلامی – در تمامی عرصه ها باید این تفکر جا بیفتد که هر چند ما دشمن را بیرون کردیم، ولی چون نظامات لازم را طراحی نکردیم، نظامات آنها آن جان بر ما حکومت می کند که اصلاً سررشته تمدن سازی ما را منحرف کرده است. و چون تمدن سازی شامل نیروسازی، مدیریت، رشته هایی همچون سیاست، اقتصاد، صنعت و... هم هست، آن نظامات غربی همه این عرصه ها را به سمت دیگری می برد؛ و اینجا تقابل آشکار و رسمی بین نظام کلی جمهوری اسلامی که در قانون اساسی مطرح شده و تجلی اش در ولایت فقیه است؛ با نظامات غربی که تجلی اش در مسئولیت ها، نهادها و سامانه های غیرزنده وجود دارد، مشاهده می شود. پس یکی از کارهایی که ما بصورت عملی به آن رسیدیم – و حتی بدون اینکه کسی بخواهد، مشغول مدیریت آن هم هستیم، و بزرگانی هم مجذوب این حرکت هستند– این است که اصل تمام نظام شناسی از اسلام و غرب و اصل نظام سازی از اسلام و غرب استخراج شود. یعنی ما بیاییم کدامیک از نظامات غربی مسلط شدند بر ما؟ و چگونه مسلط شدند؟ و چه میزان نفوذ دارند؟ و ساختار و شاکله شان چگونه است؟ و در مقابلش در اسلام چه نظامی وجود دارد؟ اگر وجود دارد آن را کشف کنیم، اگر ضعیف است آن را تقویت کنیم، اگر نیست بسازیم. این مسئله انجمان عظیم و عمیق است که ما به تعداد عرصه های انسانی باید داشته و نهادهای فکری داشته باشیم که این نظامات را هم بررسی کند و هم مدل سازی کند. و این فکر تشکیل دهنده بزرگترین دانشگاههای جهان اسلام خواهد بود و این حرکت اصلاً محدود نیست و تا ظهور حضرت صاحب الأمر(ص) ادامه دارد؛ هم در گستره و هم در عمق؛ بنابراین چیزی نیست که محدود به ما باشد و بگویم نباید فرد دیگری در آن مشارکت داشته باشد. بلکه پرچمی است که هرکسی در هرکجا بر دارد، به این کار کمک می کند. و هرکس به این کار کمک کند، یقیناً در رکاب حضرت مهدی(عج) خدمت می کند البته اجرایی کردن این نظامات برعهده ما نیست، غیر از «نظام تعلیم و تربیت» که ما آن را نظام مادر می دانیم و خودمان آن را برعهده گرفتیم و مشغول تعلیم و تربیت اساتیدی در این زمینه هستیم تا بتوانند در کل جهان اسلام آموزش بدهند و بگویند اسلام در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی حرفش چیست؟ و چه نظامی دارد؟ مثلا تعریفش از علم چیست؟ تعریفش از علم اسلامی چیست؟ علوم وحیانی چگونه تولید می شوند؟ و چگونه باید علوم وحیانی را به علوم تمدن ساز و علوم تمدن ساز را به علوم ابزارساز تبدیل کنیم؟ یعنی چگونه باید از آیات و روایات علوم ابزارساز استخراج کنیم؟ در واقع، ما راهی برخلاف اندیشه های غیرزنده می رویم که به تمسخر می گویند مگر می شود یا استفاده از آیات و روایات، موشک و ماهواره ساخت؟ که اتفاقاً به نقاط خیلی روشن و صحیحی رسیدیم. ما در عرصه تعلیم و تربیت، محتوای علوم غربی را مورد بررسی قرار دادیم و تفاوت ها و تمایزاتشان را با علوم اسلامی تبیین کردیم و اساس تفکر پرورش یافتگان شیفته غرب که می گویند علوم اسلامی و غیراسلامی ندارد را روشن کردیم. بعد از اینکه تفاوت های علوم غربی با علوم اسلامی روشن شد، شیوه تبدیل علوم جدید به علوم اسلامی را هم تبیین کردیم. بنابراین، اینها اساسی است بر اینکه ما می توانیم تمام رشته های علوم را با این تبیین ها و این دستاوردها در آینده بازسازی کنیم. ما می توانیم اساتید تدوین کننده کتب درسی مدارس و دانشگاهها را آموزش بدهیم و به آنها بگوییم چگونه می توانند آنها را اسلامی کنند. و این عرصه وجود ندارد و نمی تواند باشد. و از آیات و روایات اهل بیت(ع) استخراج کردیم؛ یعنی روان شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، مدیریت، سیاست، ولایت و رهبری و فرماندهی را از اسلام استخراج کردیم تا بتوانیم با شناخت داشته ها و و دایمی که حضرت حق در وجود انسان قرار داده، او را بشناسیم تا براساس آن، تعلیم و تربیت را شکل دهیم. چه در دانشگاهها و چه در مدارس؛ و منتظر مسئولین هم نشدیم. و ما به خروجی رسیدیم و حتی نزدیک شدیم به مرحله مدل سازی؛ چه برای دانشگاهها و چه برای مدارس؛ یعنی اگر وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم ما به یکوبند ما کل امکاناتمان را برای اجرایی کردن این کار در اختیار شما قرار می دهیم. آیا شما می توانید این کار را انجام دهید؟ ما می گوییم بله!

◆ ۹دی: آقای دکتر! می توانید یکی از این نظریات ابداعی مربوط به زیرنظام ها را برایمان توضیح دهید؟

مثلاً یکی از دستاوردهای این است که «مدیریت» و «تعلیم و تربیت» درهم تنیده است

◆ ۹دی: آیا تاباحال این نظریات بصورت کتاب، مدون و چاپ شده است؟

در این زمینه هم کتاب های متعددی را تدوین کردیم. ولی برای اینکه بازیچه دست بازیگران سیاسی نشود، چاپ نکردیم. چون لشگر رسانه ای دشمن با غوغاسالاری در روزنامه ها و سایتها و ماهواره ها و ... سعی می کنند این اندیشه های اصیل را تخطئه و تضعیف کنند و ما به همین دلیل هیچ یک از کتاب هایمان را در این زمینه چاپ نکردیم.

**◆ ۹دی: آقای دکتر! بهترین جواب به کسانی که دارای موقعی